

انتقال فناوری در قراردادهای نفتی بیع متقابل و تأثیر مقررات سازمان تجارت جهانی بر آن

صادق شمشیری*

پذیرش: ۹۲/۲/۲۳

دریافت: ۹۱/۱۲/۷

انتقال فناوری / بیع متقابل / سازمان تجارت جهانی / تریپس / مجوز اجباری

چکیده

این مقاله می‌کوشد سازوکارهای انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل و مبانی قانونی آن‌ها را شناسایی کرده (بخش اول) و سپس آثار پذیرش تعهدات سازمان تجارت جهانی بر آن‌ها را تحلیل (بخش دوم) کند و به پرسش‌های پیش رو پاسخ دهد. سازوکارهای حقوقی انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل کدام‌اند؟ پذیرش تعهدات مندرج در موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی چه تأثیری بر سیاست‌های حقوقی انتقال فناوری در بیع متقابل و مبانی قانونی آن دارد؟ و در نهایت راهکارهای پیش رو جهت حفظ سیاست‌های کنونی کدام است؟ ایران باید با استفاده از فضای موجود در ساختار حقوقی موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی، تعهدات خاص خود را محدود کرده و از استثنائات وارد بر حق اختراع، حداکثر بهره‌برداری را کند.

طبقه‌بندی JEL: K33, K49

مقدمه

چند سالی است که ایران با هدف ورود به بازارهای جهانی، خواستار عضویت در سازمان تجارت جهانی است. برخی مزایای عضویت در این سازمان که بر اهمیت آن می‌افزاید به شرح زیر است^۱:

- حذف موانع سرمایه‌گذاری از طریق پذیرش حداقل استانداردهای قانونی می‌تواند فرایند سرمایه‌گذاری خارجی در کشور را تسهیل کنند.
- معمولاً سرمایه‌گذاری همراه فناوری‌های مربوطه و از طریق سرمایه‌گذار خارجی وارد کشور می‌شود. به این ترتیب، انتقال فناوری به کشور نیز یکی از آثار مثبت عضویت در سازمان تجارت جهانی است.
- مزایای متعدد دیگر از جمله دسترسی به بازارهای جهانی، تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور نیز از دیگر آثار عضویت در سازمان تجارت جهانی است. پیش‌شرط عضویت در این سازمان، پذیرش مقرراتی است که بسیاری از سیاست‌های خرد و کلان قانونی کشور را تحت تأثیر قرار داده و ساختار حقوقی - اقتصادی کشور را متحول می‌سازد. از این‌رو، بررسی سیاست‌های قانونی کشور و تطبیق آن‌ها با مقررات سازمان تجارت جهانی برای پیش‌بینی تغییر و تحولات پس از عضویت و ارائه راهکارهای حقوقی وظیفه مهم پژوهشگران این حوزه است. در همین راستا، نوشتار کنونی تأثیرات عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بر سازوکارهای انتقال فناوری در قراردادهای نفتی بیع متقابل را بررسی کرده است^۲. اما نخست این پرسش مطرح می‌شود که چرا انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل صنعت نفت را بر گزیدیم؟ دلایل اصلی این انتخاب به شرح زیر است:

۱. این نکته را باید در نظر گرفت که عضویت در سازمان تجارت جهانی نیازمند بررسی‌های اقتصادی، اجتماعی و حقوقی فراگیر است که به نظر می‌رسد دولتمردان ایران با بررسی این شرایط تصمیم خود را گرفته‌اند؛ مثلاً در برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی در مواد ۳۳ تا ۳۶ سیاست‌هایی برای عضویت در این سازمان اتخاذ شده است.

۲. ممکن است این پرسش در ذهن خواننده ایجاد شود که چرا درحالی‌که در شرایط تحریم و فشارهای بین‌المللی قرار داریم به مسأله عضویت در سازمان تجارت جهانی پرداخته شده است که با توجه به اوضاع کنونی شاید سال‌ها با آن فاصله داریم؟ پاسخ این است که از نظر نویسنده، تحریم‌های بین‌المللی صرفاً کنشی سیاسی و گذرا است که حل آن‌ها در اختیار سیاستمداران بوده و نیازمند چانه‌زنی‌های سیاسی است؛ درحالی‌که عضویت در سازمان تجارت جهانی با توجه به این که ایران هم‌اکنون عضو ناظر این سازمان است، خواسته دیرینه دولتمردان ایران است که می‌تواند به‌طور نظام‌مند بر ساختار حقوقی، اقتصادی و اجتماعی کشور تأثیر بگذارد؛ به همین دلیل نیازمند راهکارهای بلندمدت است. از این‌رو نوشتار حاضر با فرض رفع تحریم‌ها در آینده‌ای نه‌چندان دور، می‌کوشد از دیدگاه حقوقی موضوع منتخب را بررسی کند.

الف) انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل، اهمیت اقتصادی و حقوقی فراوانی برای کشور دارد. بنابر تحقیقات انجام شده، نفت و گاز مهم ترین منابع انرژی جهان اند که در دهه های آینده نیز این سهم را حفظ می کنند^۱. می دانیم که ایران دارای منابع غنی نفت و گاز بوده و اقتصادش به شدت وابسته به فروش آنها است و برای اکتشاف، استخراج و توسعه منابع نفت و گاز خود نیازمند سرمایه گذاری و فناوری های پیشرفته ای است که در اختیار شرکت های فراملی فعال در صنعت نفت و گاز قرار دارد؛ به همین دلیل، سالها است که یکی از مهم ترین خواسته هایش در قراردادهای بیع متقابل^۲، انتقال فناوری از پیمانکاران خارجی به صنعت داخلی بوده است^۳. هرچند در نسل های اولیه قراردادهای بیع متقابل، در قرارداد تنها اشاره ای کلی به لزوم انتقال فناوری می شد (که در عمل نیز چندان کارایی نداشت)، اما در نسل جدید این قراردادها و برای اولین بار در قرارداد توسعه میدان های نفتی یادآوران، پیوستی مفصل درباره موضوع انتقال فناوری تهیه شد^۴ که به جرأت می توان گفت ثمره سالها تجربه اندوزی سیاست گذاران حقوقی کشور در زمینه انتقال فناوری در صنعت بالادستی نفت و گاز کشور بوده و از این رو بررسی تأثیرات مقررات سازمان تجارت جهانی بر آنها موضوع مهمی برای مطالعه است.

ب) پژوهشگران حقوقی توجه چندانی به این موضوع نشان نداده اند. هرچند کنفرانس های متعددی درباره انتقال فناوری در صنعت نفت و گاز ایران برگزار شده و مقالات متعددی نیز در این باره نگاشته شده است اما پیش تر پژوهش های انجام شده از دیدگاه صاحب نظران فنی، مدیریتی و اقتصادی بوده و از دیدگاه حقوقی کم تر بررسی شده اند. به علاوه، تا آنجا که نگارنده این مقاله آگاهی دارد، هیچ گونه پژوهشی درباره تأثیرات عضویت در سازمان تجارت جهانی بر انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل از دیدگاه حقوقی انجام نشده است. البته باید این نکته را در نظر داشت که بررسی موضوع از دیدگاه حقوقی محدودیت هایی دارد. پژوهشگر حقوقی دانش و توانایی بررسی شروط قراردادی، شناسایی مبانی قانونی و شناخت سازوکارها و ساختارهای حقوقی، آثار حقوقی و نظایر آن را دارد

1. Selivanova (2007); pp. 2-3.

۲. قراردادهای بیع متقابل هم اکنون مهم ترین چارچوب حقوقی در اجرای پروژه های اکتشاف و توسعه منابع نفت و گاز کشورند.

۳. شیروی، ابراهیمی و اصغریان (۱۳۸۸)؛ ص ۲۴۹.

۴. ابراهیمی، درخشان و طالبیان مقدم (۱۳۸۷)؛ صص ۱۷-۱۸.

و مواردی چون تشخیص خوب یا بد بودن سازوکارهای انتقال فناوری، کیفیت اجرا و یا میزان موفقیت انتقال فناوری در صنعت نفت و گاز از توانایی دیدگاه حقوقی خارج و نیازمند تحلیل‌های اقتصادی یا مدیریتی است.

ج) با وجود بهره‌گیری از چارچوب قراردادی بیع متقابل در حوزه‌های دیگری غیر از نفت و گاز، علت تمرکز بر قراردادهای بیع متقابل در این حوزه ویژگی‌های اقتصادی و سیاسی منحصر به فرد این صنعت است که آن را نیازمند مطالعه جداگانه و ارائه راهکارهای حقوقی ویژه و وضع قوانین خاص می‌کند.

در خصوص موضوع کنونی باید گفت منابع مورد مطالعه - از جمله قراردادهای مرتبط با صنعت نفت و گاز کشور - از دسترس پژوهشگران دور بوده و تحلیل‌های ارائه‌شده در این مقاله فقط براساس پیوست انتقال فناوری قرارداد توسعه میادین نفتی یادآور است. به همین سبب، حوزه مورد مطالعه محدود به قرارداد بالادستی صنعت نفت ایران بوده و از جزئیات کامل قراردادهای بیع متقابل در حوزه اکتشاف یا استخراج که ممکن است با این مبحث مرتبط باشند، اطلاعی در دست نیست.

با توجه به محدودیت‌های پیش‌گفته، این نوشتار به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است: سازوکارهای حقوقی انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل کدام‌اند؟ پذیرش تعهدات مندرج در موافقتنامه‌های سازمان تجارت جهانی چه تأثیری بر سیاست‌های حقوقی انتقال فناوری در بیع متقابل و مبانی قانونی آن‌ها دارد؟ و در نهایت، چه راهکارهایی برای حفظ سیاست‌های کنونی وجود دارد؟

در خصوص پرسش‌های مذکور لازم است به موارد زیر اشاره کرد:

الف) در این مقاله منظور از فناوری، مجموعه ابزارها، تجهیزات، دانش و فنونی است که کاربرد صنعتی و یا تجاری دارند.^۱ با توجه تعریف پیش‌گفته، فناوری دربرگیرنده اختراعات، نرم‌افزارها، دانش فنی، اسرار فنی و دیگر اطلاعات، ابزار و تجهیزاتی است که بخشی از آن‌ها از موضوعات حقوق مالکیت فکری هستند.

ب) سازمان تجارت جهانی متشکل از مجموعه‌ای از موافقتنامه‌ها است که همه آن‌ها به موضوع کنونی ارتباط ندارند؛ به همین دلیل تنها موافقتنامه‌های مرتبط یعنی موافقتنامه

1. Haug (1992); p.210.

جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری، موافقتنامه عمومی تجارت خدمات و موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری که مقرراتی مرتبط با موضوع کنونی دارند مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

ج) فرض بر این است که سازوکارهای کنونی انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل مطلوب بوده و تا جایی که امکان دارد باید راهکارهایی برای حفظ آن‌ها - حتی پس از عضویت در سازمان تجارت جهانی - اتخاذ شود.

د) برخی از مواردی که در این نوشتار درباره انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل مطرح می‌شود، در مورد هر قرارداد با موضوع انتقال فناوری صدق می‌کند و شاید به نظر رسد که مطرح کردن آن‌ها لزومی ندارد، اما در این خصوص باید دو نکته را در نظر گرفت: نخست این که هر چند روش‌های انتقال فناوری در بیع متقابل نفتی در بسیاری از موارد با روش‌های انتقال فناوری در سایر قراردادها مشابه است اما در قراردادهای نفتی بیع متقابل از تمام روش‌های موجود استفاده نمی‌شود؛ به همین سبب باید به روش‌های مورد استفاده به ترتیب اشاره شود. دوم این که این مقاله می‌کوشد با طرح برخی موضوعات عام و در نظر گرفتن مواردی خاص همچون قوانین مرتبط با حوزه نفت و گاز، تحلیل و جمع‌بندی مناسبی از موضوع کنونی ارائه دهد.

امید آن که راهکارهای ارائه‌شده در این مقاله مورد توجه پژوهشگران حقوق و سیاست‌گذاران قانونی کشور قرار گیرد و زمینه‌ساز برداشتن گامی مؤثر در راه عضویت در سازمان تجارت جهانی گردد.

برای نیل به اهداف پیش‌گفته، در بخش اول و با رویکرد توصیفی - پژوهشی سازوکارهای انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل و مبانی قانونی‌شان را شناسایی کرده و سپس در بخش دوم با رویکرد تحلیلی آثار پذیرش تعهدات سازمان تجارت جهانی بر آن‌ها بررسی خواهد شد.

۱. سازوکارهای حقوقی انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل

بررسی پیوست انتقال فناوری قرارداد بیع متقابل نشان می‌دهد که سازوکارهای انتقال فناوری دربرگیرنده شرط استفاده از توان فنی داخلی (بند ۱-۱)، آموزش کارکنان و

متخصصان ایرانی (بند ۲-۱)، تسلیم اسناد، اطلاعات و نرم‌افزارهای مورد استفاده در پروژه (بند ۳-۱) و همکاری‌های پژوهشی (بند ۴-۱) است. در این گفتار با تحلیل شروط قراردادی مذکور، اهداف و مبانی قانونی مرتبط با آن‌ها می‌کوشیم تصویر روشنی از سازوکارهای حقوقی انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل به خواننده ارائه دهیم تا در بخش بعدی برای تحلیل موضوع از آن‌ها بهره‌گیریم.

۱-۱. استفاده از توان فنی داخلی

شرط «استفاده از توان فنی» از پیمانکار می‌خواهد که از نیروهای انسانی و یا کالاها و خدمات پیمانکاران کشور سرمایه‌پذیر در پروژه‌ها استفاده کند. هدف از وضع چنین شروطی، اشتغال‌زایی، توسعه توان فنی از طریق یادگیری، آموزش و انتقال فناوری است.^۱ بیش‌تر منافع استفاده از توان فنی داخلی برای کشورهای سرمایه‌پذیر است به‌طوری‌که در بیش‌تر قراردادهای نفتی دنیا از چنین شروطی استفاده می‌کنند.^۲ در پیوست انتقال فناوری قراردادهای بیع متقابل ایران به این موضوع اشاره شده و حتی شروط تکمیلی آن با عنوان پیوست محتوای داخلی^۳ در قراردادهای بیع متقابل ارائه شده است که تعهدات مندرج در آن به دو بخش زیر تقسیم می‌شود:

نخست، براساس قرارداد بیع متقابل پیمانکار متعهد است با رعایت مقررات و قوانین ایران بخشی از هزینه‌های پروژه^۴ را صرف استفاده از توان فنی ایرانی کند. به منظور تضمین اجرای صحیح شروط مذکور این اختیار به شرکت ملی نفت ایران داده شده که میزان دستمزد پیمانکار را (تا درصد معینی) در برابر هر درصدی که از نیروهای ایرانی استفاده کند، کاهش دهد.^۵

مبنای قانونی شرط مذکور، قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات برای صدور خدمات مصوب

1. Cotula (2010); 45.

2. Onorato and Park (2001); 109.

3. Local Content.

۴. حداقل ۵۱ درصد از هزینه سرمایه‌ای به استثنای هزینه فعالیت‌های حفاری.

5. Ebrahimi N.D.(2012); 35.

سال ۱۳۷۵ است که براساس آن ارجاع کارهای خدمات مهندسی مشاور و پیمانکاری ساختمانی، تأسیساتی، تجهیزاتی و خدماتی صرفاً به شرکت‌های داخلی مجاز خواهد بود و در صورتی که تهیه خدمات مذکور در داخل کشور ممکن نباشد، از طریق مشارکت شرکت‌های ایرانی - خارجی (که حداقل ۵۱ درصد سهام آن متعلق به طرف ایرانی است) انجام می‌شود (ماده ۳). در واقع براساس قانون مذکور، ارائه‌کنندگان کالاها و خدمات داخلی بر خارجیان مقدم بوده و دستگاه‌های داخلی مکلف به استفاده از توان فنی داخلی در انجام پروژه‌ها هستند.^۲

دوم، پیمانکار متعهد است «مطابق با قوانین ایران به شهروندان ایرانی مجرب و واجد شرایط، در استخدام پرسنل به منظور اجرای عملیات توسعه در ایران اولویت دهد».^۳ بهره‌گیری از متخصصان خارجی در شرایط استثنایی و تنها در نبود نیروی متخصص ایرانی امکان‌پذیر است. براساس پیوست انتقال فناوری قراردادهای بیع متقابل، برای نظارت بر روند استفاده از توان فنی داخلی، پیمانکار براساس قرارداد ملزم است به صورت فصلی (سالی چهار مرتبه) میزان استفاده از توان فنی ایرانی‌ها را به شرکت ملی نفت گزارش دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در قراردادهای بیع متقابل سعی شده است با الزام به مشارکت ایرانیان در پروژه‌های نفت و گاز، بستری جهت انتقال دانش و تجربیات فنی از شرکت‌های سرمایه‌گذار به طرف ایرانی ایجاد شود.^۴

۱-۲. آموزش کارکنان و متخصصان ایرانی

آموزش نیروی انسانی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه و بلندمدت و یا اعطای بورس تحصیلی برای فراگیری تخصص در دانشگاه‌های خارجی یکی از روش‌هایی است که در بسیاری از قراردادهای سرمایه‌گذاری برای افزایش توانایی فنی متخصصان کشورهای در حال توسعه استفاده می‌شود. در قراردادهای نفتی نیز درج شرط آموزش

۱. از این پس، از این قانون به‌عنوان قانون «استفاده از توان فنی» نام برده می‌شود.
 ۲. این رویکرد در قانون برگزاری مناقصات ۱۳۸۳ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در بند «د» ماده (۱۳) قانون مذکور درباره برگزاری مناقصات بین‌المللی بر لزوم اجرای قانون حداکثر استفاده از توان فنی تصریح شده است. همچنین، مطابق با بند «د» ماده (۲۰)، در مناقصات بین‌المللی، مناقصه‌گران داخلی نسبت به مناقصه‌گران خارجی ترجیح دارند.
 3. Iranpour and Crumbley (2006); 6.

۴. این موضوع در پیوست انتقال فناوری بیع متقابل و در بخش اهداف انتقال فناوری تأکید شده است.

نیروهای انسانی با هدف دستیابی به فناوری امری معمول است^۱. با تعهد آموزش کارکنان و متخصصان کشور سرمایه‌پذیر، سرمایه‌گذار خارجی متعهد به ارائه اطلاعاتی است که بتواند متخصصان کشورهای در حال توسعه را برای مدیریت و اجرای پروژه مورد نظر آماده کند. با توجه به این موضوع، الزام آموزش کارکنان شرکت ملی نفت و متخصصان ایرانی یکی از سازوکارهای قراردادی انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل است. براساس شروط مندرج در بند ۱-۲-۲ پیوست انتقال فناوری (که به نظر می‌رسد مبنای قانونی آن ماده ۱۰ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ باشد)^۲، پیمانکار موظف است به پرسنل معرفی شده از طرف شرکت ملی نفت ایران، آموزش‌های لازم را ارائه دهد. نوع آموزش و سطح آن، مدت و مکان آموزش باید مورد توافق پیمانکار و شرکت ملی نفت ایران باشد. برنامه آموزش باید به‌طور مشترک میان پیمانکار و شرکت ملی نفت ایران آماده شده، توسط شرکت ملی نفت ایران تأیید و با همکاری شرکت ملی نفت ایران اجرا شود^۳. با هدف تکمیل فرایند آموزش، کارکنان شرکت ملی نفت باید در تهیه برنامه‌ها و طرح‌ها حضور و مشارکت فعال داشته باشند. بدیهی است مشارکت و همکاری در گروه‌های کاری نیز بستری برای یادگیری تجربیات و اسرار فنی بوده و نوعی آموزش ضمن کار به کارکنان ایرانی تلقی می‌شود.

۱-۳. تسلیم اسناد، اطلاعات و نرم‌افزارها

جمع‌آوری اطلاعات لازم برای اجرای پروژه‌های نفت و گاز، نظیر داده‌های زمین‌شناسی یا ژئوفیزیک می‌تواند کشور دارنده منابع نفت و گاز را از ظرفیت بالقوه منطقه مورد نظر آگاه ساخته، بر دانش فنی آن‌ها افزوده و قدرت چانه‌زنی یا توان نظارتی آن‌ها بر انجام پروژه‌ها را بیش‌تر کند. به همین سبب، کشورهای سرمایه‌پذیر معمولاً شروطی وضع می‌کنند که سرمایه‌گذار را متعهد می‌کند گزارش‌های دوره‌ای، تحلیل‌ها، نقشه‌ها، اطلاعات مناطق،

1. Onorato and Park (2001); 109.

۲. ماده (۱۰) قانون نفت ۱۳۶۶: «وزارت نفت مکلف است نسبت به تربیت و تجهیز نیروی انسانی مورد نیاز و راهیابی به تکنولوژی پیشرفته و رشد و توسعه در رشته‌های مختلف صنعت نفت به طرق مقتضی و با هماهنگی و تبعیت از سیاست‌های وزارت فرهنگ و آموزش عالی و با طرح برنامه‌های آموزشی و تشکیل مراکز تعلیماتی و تأسیس مجتمع‌های تحقیقاتی و آزمایشگاهی به‌طور مستمر بکوشد و با اتخاذ تدابیر مؤثر در راه بالا بردن سطح دانش و اطلاعات علمی و عملی کارکنان و کارشناسان و ایجاد محیط مناسب برای جذب و تشویق عناصر کارآمد متعهد و متخصص اقدام نماید».

3. Iranpour and Crumbley (2006); 7.

نظارت و کنترل، مهندسی، زمین‌شناسی، طراحی، ژئوفیزیک مربوط به پروژه را ارائه دهد. به‌دست‌آوردن این اطلاعات هزینه هنگفتی برای شرکت‌های بین‌المللی نفتی دارد و آن‌ها نیز از طریق وضع مقررات و پیگیری‌های قضایی تمام تلاش خود را انجام می‌دهند تا از افشای آن‌ها جلوگیری کنند^۱. براساس شروط مندرج در قرارداد بیع متقابل «شرکت ملی نفت ایران محق است داده‌ها، اطلاعات زمین‌شناسی و ژئوفیزیکی، نوارهای لرزه‌نگاری، سوابق حفاری و وقایع ثبتی خود، نرم‌افزار و سایر اسناد تهیه‌شده توسط پیمانکار در ارتباط با عملیات نفتی... را دریافت کند»^۲. همچنین، پیمانکار موظف است «وقایع ثبتی و سوابق حفاری، تعمیر، تعمیق، درپوش‌گذاری یا رهاسازی چاه‌ها را براساس رویه رایج صنعت نفت بین‌الملل نگهداری کند. تمام وقایع ثبتی و سوابق مذکور، دارایی شرکت ملی نفت ایران محسوب خواهد شد و پیمانکار وقایع ثبتی و سوابق مورد بحث را برای شرکت ملی نفت ایران تهیه خواهد کرد»^۳.

علاوه بر اطلاعات و اسناد مربوط به پروژه، نرم‌افزارهایی که برای عملیات توسعه یا تولید از محل هزینه‌های سرمایه‌ای توسط پیمانکار خارجی خریداری شده‌اند باید پس از اتمام پروژه با رعایت حقوق مالک نرم‌افزار به شرکت ملی نفت تحویل داده شوند و پیمانکار نیز باید آموزش‌های لازم برای بهره‌برداری از آن‌ها را به پرسنل شرکت ملی نفت ارائه دهد.

لازم به ذکر است حمایت قانونی از نرم‌افزارهای خارجی به‌کاررفته در پروژه‌های بیع متقابل امکان‌پذیر نیست؛ زیرا مطابق ماده (۱۶) قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹، تنها از نرم‌افزارهایی که برای اولین بار در ایران تولید و توزیع شده باشند حمایت می‌شود^۴؛ به همین دلیل تولیدکنندگان نرم‌افزارها سعی می‌کنند چارچوب بهره‌برداری از نرم‌افزارهای ارائه‌شده را مشخص کرده و تا جایی که امکان دارد از امکان نقض آن پیشگیری کنند. شرکت ملی نفت ایران با دریافت نرم‌افزار در واقع قائم‌مقام پیمانکار بوده و ملزم به رعایت شروط قراردادهای مجوز بهره‌برداری از نرم‌افزار است. البته باید این امر را در نظر داشت که در صورت فقدان حمایت‌های قانونی، چارچوب‌های قراردادی

1. Mabadi (2007); 22.

۲. زهدی (۱۳۸۹)؛ ۱۰۷.

۳. زهدی (۱۳۸۹)؛ ۱۳۱.

۴. در چنین شرایطی، طرف ایرانی می‌تواند با استفاده از روش‌های مهندسی معکوس به بومی‌سازی یا بازتولید نرم‌افزارهای مورد استفاده در پروژه اقدام کند.

نمی‌تواند آن‌طور که باید منافع تولیدکنندگان نرم‌افزار را حفظ کنند زیرا ضمانت‌اجرایی قانونی نظیر استفاده از دستور موقت و یا مجازات‌های مقرر شده^۱ در قانون شامل نرم‌افزارهای خارجی نمی‌شود. همین امر می‌تواند فضای لازم جهت بومی‌سازی و بازتولید نرم‌افزارهای پیشرفته برای شرکت‌های داخلی را فراهم سازد.

۱-۴. همکاری‌های پژوهشی

همکاری‌های پژوهشی میان سرمایه‌گذار و کشور سرمایه‌پذیر، موجد بستری برای تبادل دانش و تجربیات میان پژوهشگران داخلی و خارجی است که به‌عنوان یکی از راه‌های انتقال و دریافت دانش فنی مورد توجه سیاست‌گذاران داخلی قرار گرفته است. تشکیل کمیته‌های مشترک پژوهشی یکی دیگر از سازوکارهای به‌کاررفته در قرارداد بیع متقابل جهت انتقال فناوری به بخش داخلی است. مطابق با بند ۶-۲-۲ پیوست انتقال فناوری در بیع متقابل، پیمانکار باید به‌طور مشترک با شرکت ملی نفت یا یک مؤسسه معرفی شده توسط شرکت ملی نفت، کمیته پژوهش و توسعه به نفع پروژه و با هدف انتقال فناوری تشکیل دهد. وظیفه اصلی چنین کمیته‌ای پشتیبانی پروژه، کشف راه‌حل‌های فنی برای مشکلات موجود در پروژه، تمرکز بر توسعه به دلیل نیاز به فعالیت‌های کاربردی است. خروجی و دستاوردهای کمیته‌های پژوهشی مذکور می‌تواند دانش فنی، اختراع و یا نرم‌افزارهایی باشد که تعیین حدود مالکیت و نحوه استفاده از آن‌ها تابع قوانین حقوق مالکیت فکری و توافقات صورت گرفته میان طرفین^۲ است. همان‌طور که این بخش ملاحظه شد، سازوکارهای حقوقی انتقال فناوری که در پیوست انتقال فناوری بیع متقابل پیش‌بینی شده است بر چهار روش اصلی پیش‌گفته متکی است. عضویت در سازمان تجارت جهانی می‌تواند سازوکارهای مذکور را تحت تأثیر قرار دهد. به‌همین سبب در گفتار بعد، تأثیر الحاق به سازمان تجارت جهانی بر سازوکارهای حقوقی پیش‌گفته بررسی خواهد شد.

۱. ماده (۱۳) قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای: «هرکس حقوق مورد حمایت این قانون را نقض نماید علاوه بر جبران خسارت به حبس از نودویک روز تا شش ماه و جزای نقدی از ده میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم می‌گردد».

۲. از روابط حقوقی داخلی در کمیته‌های پژوهشی اطلاعی در دست نیست.

۲. چالش‌ها و راهکارهای عضویت در سازمان تجارت جهانی

مقررات مرتبط با سازوکارهای انتقال فناوری که پیش از این مطالعه شدند، به صورت پراکنده و در سه موافقتنامه موجودند. موافقتنامه‌های مذکور که به ترتیب در این بخش بررسی خواهند شد عبارتند از: موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری (TRIMS) (بند ۲-۱) و موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (GATS) (بند ۲-۲) که مقررات سرمایه‌گذاری در حوزه کالا و خدمات را در بر می‌گیرند و همچنین موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (TRIPS) (بند ۲-۳) که قواعد حقوقی اموال فکری نظیر اختراعات و اسرار تجاری را تعیین می‌کند. در ادامه مطالب با بررسی مقررات مرتبط با انتقال فناوری در موافقتنامه‌های پیش‌گفته، تأثیر مقررات مذکور بر سازوکارهای حقوقی انتقال فناوری بیع متقابل و قوانین مرتبط با آن تحلیل شده و راهکارهای پیش‌رو بررسی خواهد شد.

۲-۱. موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری و سازوکارهای انتقال فناوری

موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری، بخشی از مقررات سازمان تجارت جهانی است که در مذاکرات دور اروگوئه تصویب و در سال ۱۹۹۵ اجرایی شده و به‌طور مستقیم چارچوب‌های حقوقی سرمایه‌گذاری را مشخص کرده است. البته بخش مهمی از مقررات این موافقتنامه تابع اصول حقوقی مندرج در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) است. در این بند با بررسی مقررات موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری و اصول حقوقی حاکم بر آن، در خصوص موضوع کنونی (الف)، چالش‌ها و راهکارهای پیش‌رو بررسی خواهد شد (ب).

الف) مقررات موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری در رابطه با سازوکارهای انتقال فناوری

مطابق ماده (۲) موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری^۱، اصول حقوقی و مقررات موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت بر مقررات آن حاکم است که می‌تواند تدابیر

۱. «با رعایت حقوق و تعهدات موجود در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت، هیچ عضو نباید تدابیر تجاری مربوط به سرمایه‌گذاری را که نافی مقررات موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت می‌باشند به اجرا بگذارد».

مرتبط با سرمایه‌گذاری را متأثر سازد^۱. اصل رفتار ملی^۲ یکی از اصول مهم و اساسی‌ای است که تأثیر مهمی بر برخی سازوکارهای انتقال فناوری پیش‌گفته دارد و در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و به تبع آن در موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری بر آن تأکید شده است. براساس اصل رفتار ملی، قواعد و مقررات کشورهای عضو نباید هیچ‌گونه تبعیضی میان کالاهای مشابه بخش داخلی و شرکت‌های خارجی قائل شوند^۳. در همین موافقتنامه^۴، الزام سرمایه‌گذار خارجی به استفاده از توان فنی داخلی کشور سرمایه‌پذیر یکی از مصادیق نقض اصل رفتار ملی برشمرده شده است. به این ترتیب، کشور سرمایه‌پذیر نباید در قوانین خود شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی را ملزم به استفاده از توان فنی شرکت‌های داخلی کند. در نتیجه، در صورت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، الزام پیمانکار خارجی به استفاده از توان فنی در پروژه‌های نفت و گاز و همچنین قانون استفاده از توان فنی داخلی - که هم‌اکنون مبنای قانونی این مقررات است - باید مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد. حال دو پرسش در ذهن خواننده ایجاد می‌شود؛ اول آن که گستره بازبینی مقررات مربوط به استفاده از توان فنی چقدر خواهد بود؟ و دوم این که اصل رفتار ملی چه تأثیری بر دیگر سازوکارهای انتقال فناوری خواهد داشت؟ بند «ب» ضمن پاسخ به این پرسش، راهکارهایی را نیز ارائه می‌دهد.

ب) راهکارهای پذیرش مقررات موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری

در خصوص گستره منع الزامات مربوط به استفاده از توان فنی داخلی و سایر سازوکارهای انتقال فناوری و حدود اختیارات کشور میزبان در استفاده از فرصت‌های موجود در موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری می‌توان دو راهکار زیر را در نظر گرفت:

نخست، مقررات موجود در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری در مورد منع استفاده از توان فنی فقط به تجارت کالاها مربوط است و مسائل مربوط به تجارت خدمات^۵ را در بر نمی‌گیرد. یعنی این مقررات شامل

1. UNCTAD, Technology Transfer (2001); 17.

2. National Treatment.

3. Selivanova (2007); 14.

۴. موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت.

۵. مقررات مربوط به تجارت خدمات در موافقتنامه عمومی تجارت خدمات آورده شده است.

سرمایه‌گذارانی می‌شود که اقدام به واردات، صادرات و یا تولید کالا در کشور سرمایه‌پذیر می‌کنند و سرمایه‌گذاران و پیمانکاران حوزه خدمات طراحی، مهندسی و ساخت - که از آن‌ها در بخش اکتشاف و توسعه صنعت نفت و گاز بسیار استفاده می‌شود - مشمول مقررات مذکور نمی‌شوند. بنابراین، در صورت عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، لازم است شرط مربوط به الزام سرمایه‌گذار در استفاده از کالاهای داخلی در قراردادهای بیع متقابل و مقررات مربوطه حذف شود^۱.

دوم، در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری به مواردی همچون الزام به انتقال فناوری، همکاری‌های پژوهشی، استخدام و آموزش نیروی داخلی پرداخته نشده است^۲، بنابراین ممکن است این پرسش به ذهن خطور کند که با وجود اصل رفتار ملی در موافقتنامه‌های پیش‌گفته، آیا می‌توان سرمایه‌گذاران خارجی در حوزه تولید یا توزیع کالا را ملزم به همکاری‌های پژوهشی، استخدام و یا آموزش متخصصان ایرانی کرد یا خیر؛ زیرا چنین الزامی نوعی تبعیض و در اولویت قرار دادن بخش داخلی است. در نگاه نخست به نظر می‌رسد با توجه به موافقتنامه‌های پیش‌گفته، کشورهای عضو ملزم به رعایت اصل رفتار ملی هستند و موارد منع‌شده در موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری و موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت فقط نمونه‌هایی از اصل رفتار ملی هستند که می‌توان تفسیری موسع از آن‌ها ارائه داد. در این صورت، الزام قانونی سرمایه‌گذار به استخدام نیروی داخلی از جمله اعمال تبعیض آمیزی است که مطابق با اصل رفتار ملی ممنوع است. اما در پاسخ به استدلال پیشین باید گفت مطابق با بند (۲) ماده (۲) موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری، شرح رویه‌های ممنوع مربوط به اصل رفتار ملی در ماده (۳) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت ذکر شده است. ماده (۳) موافقتنامه مذکور حصری است و مواردی از قبیل الزام به انتقال فناوری و استخدام و آموزش نیروهای داخلی را در بر نمی‌گیرد. تفسیر موسع مواد پیش‌گفته نیاز به تصریح داشته و نباید به گونه‌ای تفسیر شوند که موجب محدود کردن اختیارات اعضا و افزایش تعهدات آنان گردند. به این ترتیب، با رویکرد اخیر می‌توان گفت پس از الحاق به موافقتنامه‌های پیش‌گفته، هنوز هم

۱. در خصوص مقررات حوزه خدمات نیز باید موافقتنامه عمومی تجارت خدمات بررسی شود.

2. UNCTAD (2001); 19.

فضای حقوقی کافی برای الزام سرمایه‌گذاران خارجی به همکاری‌های پژوهشی، استخدام و آموزش نیروهای ایرانی و انتقال فناوری وجود خواهد داشت.

۲-۲. موافقتنامه عمومی تجارت خدمات

سهم مهمی از مشارکت‌های خارجی در بخش توسعه صنعت نفت و گاز در حوزه خدمات فنی و مهندسی است که تحت نظام حقوقی موافقتنامه عمومی تجارت خدمات قرار می‌گیرد. در این بند پس از بررسی و تبیین مقررات موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (الف) راهکارهای پیش‌روی قانون‌گذار در مواجهه با مقررات موافقتنامه مذکور (ب) بررسی خواهد شد. همچنین جهت مطالعه بیش‌تر موضوع، سعی می‌شود از تجربیات کشورهای همچون عربستان و روسیه که مانند ایران صادرکننده نفت و گاز بوده و حضوری فعال در سازمان تجارت جهانی دارند، بهره‌گیری شود.

الف) مقررات موافقتنامه عمومی تجارت خدمات در رابطه با سازوکارهای انتقال فناوری ساختار حقوقی موافقتنامه عمومی تجارت خدمات پیچیده‌تر از موافقتنامه‌های پیشین بوده و دو ویژگی منحصر به فرد دارد:

نخست، در بند (۲) ماده (۱) موافقتنامه، چهار روش تجارت خدمات به شرح زیر تعریف و پذیرفته شده است:

- ارائه خدمات فرامرزی از قلمرو یک عضو در قلمرو عضو دیگر^۱.
 - ارائه خدمات در قلمرو یک عضو به مصرف‌کنندگان کشورهای عضو دیگر^۲.
 - ارائه خدمات توسط ارائه‌کنندگان خدمات یک عضو از طریق حضور تجاری در قلمرو اعضای دیگر^۳.
 - ارائه خدمات از طریق حضور اشخاص حقیقی یک عضو در قلمرو اعضای دیگر^۴.
- در صنعت نفت و گاز از روش‌های سوم و چهارم بیش‌تر برای ارائه خدمات استفاده

۱. مانند انتقال سرمایه از طریق بانکی در یک کشور عضو به یک مؤسسه مالی یا یک مشتری در کشور دیگر.
 ۲. مانند خدمات به گردشگران یا مداوای بیماری که برای معالجه به کشور دیگر سفر کرده است.
 ۳. مانند حضور شرکت‌های خدمات مشاوره و مهندسی در کشور دیگر.
 ۴. مانند ارائه خدمات مشاوره مهندسی توسط متخصصان یا حضور پزشک در قلمرو عضو دیگر (Steger(2003), 7-8).

می‌شود؛ به همین سبب نیز در این قسمت بر دو روش پیش گفته تمرکز خواهد شد.

دوم، تعهدات مندرج موافقتنامه عمومی تجارت خدمات به دو دسته عام و خاص تقسیم می‌شود. کشورها در صورت عضویت در موافقتنامه عمومی تجارت خدمات ناگزیر از پذیرش تعهدات عام – از جمله اصل شفافیت^۱ و اصل دولت کامله‌الوداد^۲ – هستند. اما در مورد تعهدات خاص که تا حدودی مرتبط با مبحث انتقال فناوری است، اعضا می‌توانند معافیت‌ها و استثنائاتی برای خود قائل شوند؛ با این توضیح که اعضا مختارند برخی تعهدات را در خصوص برخی روش‌های تجارت خدمات نپذیرند و یا در برخی موارد با توجه به اهداف ملی خود، درباره تعهداتی که پذیرفته‌اند، استثنائاتی جهت حمایت از اخلاق حسنه یا نظم عمومی، حمایت از زندگی یا سلامت انسان، حیوان یا گیاه قائل شوند^۳.

بر اساس مواد (۱۶) و (۱۷) موافقتنامه، اصل دسترسی به بازار و اصل رفتار ملی از جمله تعهدات خاصی هستند که به شرح زیر ارتباط مستقیمی با مبحث انتقال فناوری دارند.

نخست، اصل دسترسی به بازار^۴: مطابق ماده (۱۶) موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، اگر عضوی در فهرست تعهدات خود، اصل دسترسی به بازار را در بخش خاصی پذیرفته باشد، نباید دسترسی اعضا به بازار خدمات آن بخش خاص را محدود کند؛ بلکه باید حداقل استانداردهای تعیین شده را رعایت کرده و فقط می‌تواند بیش‌تر از آن چیزی که تعهد کرده است را اعطا کند. محدودیت‌های پیش‌گفته شامل تعیین ارزش خدمات، تعداد اشخاص حقیقی استخدام‌شده، میزان ارائه خدمات، تعیین نوع خاصی از سرمایه‌گذاری (مثلاً سرمایه‌گذاری مشترک) و یا تعیین سهم مشارکت طرف خارجی است^۵. برای مثال اگر عضوی تعهدات مربوط به اصل دسترسی به بازار در بخش حفاری را پذیرفته باشد دیگر حق ندارد برخی شروط انتقال فناوری – از جمله الزام به استخدام نیروی داخلی و یا الزام به

۱. بر اساس ماده (۳) موافقتنامه، اعضا مکلفند به سرعت تغییرات در قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های خود را که به GATS مربوط است به اطلاع شورای تجارت خدمات برسانند. اعضا همچنین مکلفند در اسرع وقت به درخواست اعضای دیگر در خصوص اطلاعات لازم پاسخ دهند.

۲. مطابق ماده (۲) موافقتنامه، اعضا ملزم‌اند رفتاری را با خدمات و ارائه‌کنندگان خدمات اعضای دیگر داشته باشند و امتیازاتی به آن‌ها بدهند که به هریک از اعضای دیگر می‌دهند. یعنی این که اعضا نمی‌توانند میان کشورهای عضو تبعیض قائل شوند و برای برخی نسبت به دیگران امتیازاتی قائل شوند.

3. Steger (2003); 21.

4. Market Access.

5. Steger (2003); 27.

مشارکت بخش داخلی - را در قوانین و مقررات خود بگنجانند؛ بلکه باید فضای حقوقی را آزاد گذاشته و تعیین شروط مذکور را بر عهده طرفین قرارداد و تابع قدرت چانه‌زنی آنها قرار دهد.

دوم، اصل رفتار ملی: اصل رفتار ملی در خصوص تجارت خدمات به این معنا است که اعضا نباید در حوزه تجارت خدمات میان سرمایه‌گذاران خارجی و داخلی تبعیض قائل شوند. هنگامی که کشوری در فهرست تعهدات خود اصل رفتار ملی را می‌پذیرد، مختار است شرایط یا قیود خاصی را برای تعهد رفتار ملی خود ثبت کند!

به این ترتیب، با توجه به مجموع مطالب پیش گفته، یک عضو می‌تواند در خدمات توزیع انرژی، روش تجاری سوم‌آرا پذیرفته و متعهد به رعایت اصل رفتار ملی در آن حوزه شده و هیچ تعهدی درباره دیگر روش‌های تجاری پیش گفته در آن حوزه ندارد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل اعطای چنین معافیت‌هایی به کشورهای عضو، افزایش انگیزه کشورهای در حال توسعه برای عضویت در سازمان تجارت جهانی و تطبیق تدریجی اعضا با مقررات آن است. بر همین اساس، می‌توان از چنین معافیت‌هایی در جهت حفظ سیاست‌های انتقال فناوری در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز کشور حداکثر بهره‌برداری را به‌عمل آورد. در ادامه با در نظر گرفتن مقررات موافقتنامه مذکور راهکارهای ممکن بررسی می‌شود.

ب) راهکارهای پذیرش مقررات موافقتنامه عمومی تجارت خدمات

همان‌طور که ملاحظه شد، موافقتنامه عمومی تجارت خدمات برای جلب نظر تمام اعضای سازمان تجارت جهانی، برخی تعهدات و گستره آنها را به انتخاب کشورها واگذار کرده است. بر همین اساس، ایران برای حفظ سازوکارهای حقوقی انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل می‌تواند از راهکارهای زیر استفاده کند:

نخست، در شرایط فعلی و در راستای حفظ سیاست‌های موجود و به دلیل این که ضعف رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی داخلی در مقابل شرکت‌های خارجی می‌تواند به حذف آنها منجر شود، باید حداقل تعهدات را در خصوص بخش‌های مرتبط با نفت و گاز (مانند

1. Steger (2003); 28.

۲. یعنی ارائه خدمات توسط ارائه‌کنندگان خدمات یک عضو از طریق حضور تجاری در قلمرو اعضای دیگر.

خدمات طراحی، مهندسی و نظایر آن) پذیرفت. ایران می‌تواند بخش‌های مرتبط با صنعت نفت و گاز را از جدول تعهدات خود حذف کند. برای مثال می‌تواند خدمات مهندسی یا حفاری را از حوزه تعهدات خود خارج کند؛ در این صورت، تعهدی به رعایت اصل رفتار ملی یا اصل دسترسی به بازار در آن حوزه نخواهد داشت. همانند عربستان سعودی که در فهرست تعهدات خود هیچ‌گونه تعهدی درباره بخش حفاری یا خدمات مربوط به توزیع انرژی ندارد.^۱

دوم، براساس مقررات موافقتنامه عمومی تجارت خدمات، ایران مختار است در قبال بخش‌های مختلف، تعهدات خود را محدود کند. در این صورت می‌تواند تعهدات مرتبط با بخش‌های نفت و گاز را بپذیرد اما الزامات قانونی مربوط به استخدام و آموزش نیروی‌های ایرانی، الزام به مشارکت شرکت‌های ایرانی با خارجی، الزام انتقال فناوری و راه‌اندازی بخش مشترک پژوهش و توسعه، تعهدات را نپذیرد و آن‌ها را به‌عنوان استثنایی بر تعهدات خود ذکر کرده یا محدودیت‌های اختیاری را بر آن‌ها بار کند. برای نمونه روسیه در مورد محدودیت‌های اصل رفتار ملی در قراردادهای مشارکت در تولید و همچنین روش چهارم تجارت خدمات، تأکید کرده است که حداقل ۸۰ درصد کسانی که در قراردادهای مشارکت در تولید نقش دارند باید روسی باشند؛ یا در مورد خدمات مرتبط با توزیع انرژی در رابطه با روش سوم، مشارکت در این بخش از صنعت روسیه تنها از طریق اشخاص حقوقی با تابعیت روس امکان‌پذیر است.^۲

۲-۳. موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری (تریپس)

موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری^۳ (تریپس) زیرمجموعه سازمان تجارت جهانی است که هدف آن وضع حداقل استانداردهای حمایت از مالکیت فکری برای رفع موانع تجارت آزاد است. مطابق با بند (۱) ماده (۱) تریپس، برای اجرای مقررات تریپس نیازی به وضع قانون داخلی نبوده و تریپس به‌عنوان قانون داخلی کشورها در نظر گرفته می‌شود.

1. WTO, Saudi Arabia - *Schedule of Specific Commitments* (2006); 12.

2. WTO, Russian Federation, *Schedule of Specific Commitments* (2012); 8.

۳. از این پس در این مقاله از این موافقتنامه به‌عنوان «موافقتنامه تریپس» یاد می‌شود.

مقرراتی که در موافقتنامه تریپس مستقیماً به سازوکارهای پیش گفته انتقال فناوری اشاره کنند، دیده نمی‌شود؛ به همین دلیل، پیش از ورود به بحث اصلی ابتدا باید به این پرسش پاسخ داده شود که ارتباط مقررات تریپس (یا همان قوانین مالکیت فکری) با انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل چیست؟

بخش مهمی از مصادیق فناوری مانند اختراعات، اسرار فنی و نرم‌افزارها، موضوعات حقوق مالکیت فکری هستند. حقوق مالکیت فکری با اعطای حقوق انحصاری به دارنده آن موجب منع کپی‌برداری و یا ساخت فناوری از طریق مهندسی معکوس فناوری شده و کشورهای درحال توسعه را به سمت دریافت مجوزهای بهره‌برداری و پرداخت هزینه در برابر دریافت فناوری سوق می‌دهد. ضعف قوانین مالکیت فکری، انگیزه سرمایه‌گذاران برای راه‌اندازی مراکز پژوهش و توسعه در کشور میزبان سرمایه را کاهش می‌دهد زیرا خروجی مراکز مذکور، فناوری‌هایی نظیر اختراعات و اسرار فنی است که عدم حمایت از آنها دستاوردها و هزینه‌های هنگفت‌شان را به هدر می‌دهد؛ بنابراین، مقررات تریپس می‌تواند چارچوب‌های حقوق مالکیت فکری کشور و به تبع آن کیفیت و کمیت انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل را تحت تأثیر قرار دهد.

لازم به ذکر است اختلافاتی میان کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه درباره گستره، شدت و ضعف مقررات تریپس وجود دارد. گروهی متشکل از کشورهای توسعه‌یافته به رهبری امریکا، معتقدند حمایت‌های صورت گرفته در تریپس حداقل استانداردهای لازم است و می‌کوشند با انعقاد موافقتنامه‌های دوجانبه با کشورهای دیگر، استاندارد حمایت از حقوق مالکیت فکری را افزایش دهند. در مقابل، گروهی متشکل از کشورهای درحال توسعه که معمولاً واردکننده فناوری هستند معتقدند حمایت از مالکیت فکری قوی‌تر منجر به افزایش قیمت اموال فکری شده و به این ترتیب انعقاد قراردادهای انتقال فناوری برای آنها گران‌تر خواهد شد؛ به همین دلیل سعی در حفظ و یا کاهش گستره مقررات تریپس دارند. در ادامه، فارغ از این کشمکش‌ها و با توجه به مقررات فعلی این موافقتنامه، مقررات تریپس درباره فرایند انتقال فناوری (الف) و راهکارهای پیش‌رو (ب) جهت بهره‌گیری از

1. Falvey and Foster (2006); 31.

2. Scholtz (2005); 212.

فرصت‌های موجود بررسی می‌شود:

الف) مقررات موافقتنامه جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری درباره سازوکارهای انتقال فناوری

تریپس بر این فرض استوار است که بازار آزاد و رقابتی به همراه کمک کشورهای توسعه‌یافته به انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه منجر می‌شود.^۱ ماده (۷) تریپس مقرر می‌دارد: «حمایت و اجرای حقوق مالکیت فکری باید به نحوی باشد که به ارتقای خلاقیت‌های فنی و انتقال و توزیع فناوری در جهت منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان فناوری کمک کند و منجر به رفاه اقتصادی و اجتماعی و تعادل حقوق و تعهدات شود».

بند (۲) ماده (۶۶) تریپس نیز کشورهای توسعه‌یافته را متعهد می‌کند که انگیزه کافی برای شرکت‌ها و نهادهایشان - با هدف انتقال فناوری به کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته - را ایجاد کنند. مقررات مذکور تأکید فراوانی بر نیاز فنی کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته دارد اما به نظر می‌رسد هیچ‌گونه تعهد مشخصی برای انتقال فناوری به کشورهای در حال توسعه بر عهده اعضا - به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته - نمی‌گذارد. همچنین، هیچ‌گونه ضمانت اجرایی نیز برای تعهدات مبهم موجود در تریپس درباره انتقال فناوری مشخص نشده است. با توجه به تلاش کشورهای در حال توسعه، شورای تریپس در فوریه سال ۲۰۰۳ درباره اجرایی‌سازی مقررات بند (۲) ماده (۶۶) تصمیماتی اخذ کرده است. به موجب تصمیمات مذکور، کشورهای توسعه‌یافته باید سالانه گزارشی درباره کارهای انجام‌شده جهت اجرای تعهدات مندرج در ماده مذکور به شورا ارائه دهند.^۲ این گزارش باید شامل ذکر چارچوب‌ها، قوانین و سیاست‌های اتخاذشده، مشوق‌های ارائه‌شده توسط دولت و سایر نهادها، نوع فناوری مورد تشویق، روش‌های انتقال فناوری و سایر اطلاعات لازم باشد. این حق برای کشورهای در حال توسعه یا کم‌تر توسعه‌یافته در نظر گرفته شده که بتوانند برای رفع ابهامات، اطلاعات بیش‌تری از کشورهای توسعه‌یافته مطالبه کنند.^۳ به نظر می‌رسد ارائه گزارش‌ها نیز کشورهای توسعه‌یافته را به انتقال فناوری ملزم نمی‌کند. پر واضح است

1. UNCTAD, *Transfer of Technology* (2001); 63-64.

۲. برای مطالعه بیش‌تر به گزارش سال ۲۰۱۲ کشور سوئیس درباره اجرای بند (۲) ماده (۶۶) تریپس، با عنوان IP-C/W/580/Add.4 در سایت سازمان تجارت جهانی رجوع کنید.

3. Council for TRIPS (2003); 1.

که ذکر عبارات کلی و عدم ضمانت اجرای مناسب، الزامات قانونی مذکور را بی اعتبار و فرمایشی ساخته و آن را به یک رهنمود ساده تبدیل خواهد کرد.

در ظاهر حمایت قوی از مالکیت فکری و ایجاد فضای امن برای اموال فکری می تواند دغدغه شرکت های فراملی درباره حمایت از فناوری را رفع کرده و آن ها را به انتقال فناوری خود به کشور مقصد تشویق کند. اما باید به این نکته نیز توجه کرد که ورود فناوری به کشور سرمایه پذیر و انتقال فناوری دو فرایند متفاوت اند. حمایت از اموال فکری می تواند برخی موانع پیش روی انتقال فناوری را بر دارد اما نمی تواند فرایند انتقال فناوری به طرف مقابل را تضمین کند. همان طور که می دانید دارندگان فناوری حاضر نیستند دانش و اسرار فنی خود را به راحتی در اختیار دیگران قرار دهند. برای مثال از دیدگاه حقوقی - اقتصادی حمایت از حق اختراع می تواند اثرات زیر را در پی داشته باشد:

۱) حقوق مالکیت فکری اشخاص ثالث را از ساخت محصولات مشابه با اختراع مورد حمایت منع می کند. به این ترتیب، راه کسب فناوری از طریق مطالعه و مهندسی معکوس مسدود می شود. نوآوری و ابداع نیازمند راه اندازی بخش تحقیق و توسعه در شرکت های داخلی است که در عمل به دلیل هزینه های هنگفت، چنین بخش هایی راه اندازی نشده و عملاً توان تولید فناوری از شرکت های داخلی سلب می شود.

۲) انحصار دارنده فناوری و کاهش توان رقابتی شرکت های داخلی به افزایش قیمت فناوری منجر می شود.

۳) شرکت های داخلی برای پیشگیری از پیگرد حقوقی و پرداخت خسارات راهی جز خرید اجازه بهره برداری از فناوری از طرف خارجی ندارند.

حال این پرسش مطرح می شود که چگونه می توان انتقال فناوری به کشور را پس از الحاق به تریپس تسهیل کرد؟

ب) راهکارهای پذیرش مقررات موافقتنامه جنبه های تجاری حقوق مالکیت فکری

تریپس علاوه بر مقررات سخت برای حمایت از مالکیت فکری، مواردی استثنائی جهت تعدیل مقررات پیش گفته پیش بینی کرده است. استفاده غیرتجاری از اختراع و صدور مجوزهای اجباری مهم ترین استثناهایی است که مجوز قانونی آن ها در تریپس صادر شده

است. در شرایط پیش گفته و درحالی که بسیاری از راه‌های کپی‌برداری از فناوری‌های خارجی بسته می‌شود، برای تعدیل محدودیت‌های حقوق مالکیت فکری، سیاست‌گذاران داخلی باید راه‌حل‌های زیر را در نظر گیرند:

۱) استفاده غیرتجاری از اختراع: با توجه به ماده (۳۰) تریپس؛ کشورهای عضو می‌توانند در خصوص حقوق اعطاشده در ورقه اختراع، استثناهایی قائل شوند. البته این استثناء نباید به منافع دارنده حق اختراع لطمه‌ای وارد کند. نمونه بارز این استثناء، استفاده‌های علمی و آموزشی از اختراع است زیرا صاحب ورقه اختراع در جلوگیری از بهره‌برداری‌های علمی و تحقیقاتی از اختراع هیچ نفع مشروعی ندارد.^۱ این امر در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶ ایران مورد تأکید قرار گرفته است. براساس بند (۳) ذیل بند «ج» ماده (۱۵) این قانون، حقوق ناشی از گواهینامه اختراع بهره‌برداری‌هایی که فقط با اهداف آزمایشی درباره اختراع ثبت‌شده انجام می‌شود را در بر نمی‌گیرد. به این ترتیب، مراکز تحقیقاتی و کمیته‌های پژوهشی در وزارت نفت و سایر شرکت‌های فعال در حوزه نفت و گاز می‌توانند با تحلیل گواهی‌های اختراع و یا بررسی فناوری‌های به کاررفته در پروژه‌های بیع متقابل، فناوری‌های جدید ابداع کرده و یا از دانش فنی موجود در آن فناوری‌ها استفاده کنند.^۲

۲) مجوز اجباری: منظور از مجوزهای اجباری، گواهی‌هایی است که بدون کسب اجازه از صاحب ورقه اختراع، از سوی مقام دولتی - اعم از اداری یا قضایی - صادر شده و امکان بهره‌برداری از اختراع را برای شخص ثالث فراهم می‌آورد.^۳ ماده (۸) تریپس به اعضا این اختیار را می‌دهد که تدابیر لازم برای حمایت از تغذیه و سلامت عمومی، ارتقای منافع عمومی در بخش‌های ضروری برای توسعه فناوریانه و اقتصادی - اجتماعی را اخذ کنند. همان‌طور که می‌دانید صنعت نفت و گاز به شدت

۱. صادقی (۱۳۸۷)، ۵۰۱.

۲. استفاده از دانش فنی فناوری‌هایی که تحت نظام حق اختراع ثبت شده‌اند، ممکن است مستلزم نقض حق اختراع باشد؛ به همین دلیل و برای جلوگیری از نقض حق اختراع لازم است پژوهشگران صنعت نفت و گاز همواره با متخصصان حقوق مالکیت فکری مشاوره کنند. این روش در کشورهای صنعتی امری پذیرفته و مرسوم است.

۳. صادقی (۱۳۸۷)، ۵۱۹.

با حاکمیت و امنیت کشور گره خورده است و یک روز تأخیر در استخراج نفت یا گاز، ضررهای هنگفتی به اقتصاد کشور وارد می‌کند. در شرایطی که یک فناوری برای استخراج و یا توسعه ظرفیت تولید یک میدان نفتی ضروری باشد اما دارنده آن، قیمت بالایی برای آن مطالبه کند و یا از در اختیار گذاشتن آن خودداری کند می‌توان از نهاد مجوزهای اجباری بهره گرفت. قانونگذار داخلی می‌تواند شرکت فراملی را ملزم به اعطای مجوز بهره‌برداری از فناوری ثبت شده خود کند.^۱ در قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ (که بخش اعظم آن با مقررات تریپس منطبق است) این امر پیش‌بینی شده است. در ماده (۱۷) قانون مذکور مقرر شده «در مواردی که... امنیت عمومی مانند امنیت ملی، تغذیه، بهداشت یا توسعه سایر بخش‌های حیاتی اقتصادی کشور اقتضاء کند... سازمان دولتی یا شخص ثالث بدون موافقت مالک اختراع، از اختراع بهره‌برداری می‌کند». باید این نکته را در نظر گرفت که هم در تریپس و هم در قانون ایران، دولت ملزم است در قبال صدور مجوز اجباری، به پرداخت مبلغی عادلانه به صاحب فناوری حکم دهد. این مقرر برای جبران عادلانه خسارتی است که ممکن است از محل صدور مجوز اجباری به دارنده فناوری وارد شود.

جمع‌بندی و ملاحظات

همان‌طور که ملاحظه شد، عضویت در سازمان تجارت جهانی مستلزم اصلاح و یا حذف برخی از راهکارهای انتقال فناوری در قراردادهای بیع متقابل و مبانی قانونی آن است. بر اساس اصل رفتار ملی، ایران نمی‌تواند سرمایه‌گذاران خارجی را بر اساس قوانین یا قراردادهای دولتی خود نظیر بیع متقابل ملزم به استخدام متخصصان ایرانی، استفاده از توان فنی داخلی و یا مشارکت با پیمانکاران ایرانی کند. همچنین با پذیرش مقررات تریپس، حمایت قانونی از دارایی فکری سرمایه‌گذاران خارجی قویتر می‌شود که در نهایت موجب

۱. باید به این نکته توجه کرد که نهاد مجوز اجباری، مخصوص نظام حق اختراع است که در حقوق مالکیت فکری بیش‌تر کشورهای دنیا امری پذیرفته و موافق قاعده است. به همین سبب نباید آن را با مصادره اموال یا سلب مالکیت که در تاریخ تحولات نفت ایران سابقه ناخوشایندی برای سرمایه‌گذاران خارجی دارد، اشتباه گرفت.

منع کپی برداری از فناوری‌های خارجی و همچنین افزایش قیمت فناوری خواهد شد. با توجه به تمامی موارد پیش گفته و با استفاده از فضای موجود در نظام حقوقی سازمان تجارت جهانی راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

(۱) براساس مقررات موافقتنامه جنبه‌های تجاری تدابیر سرمایه‌گذاری، الزام سرمایه‌گذاران خارجی به استفاده از کالاهای تولید داخل ممکن نیست و به کاهش توان تولیدی شرکت‌های داخلی منجر می‌شود. اما درباره موافقتنامه عمومی تجارت خدمات که فضای حقوقی لازم در آن پیش‌بینی شده، باید حداقل تعهدات را در مورد بخش‌های مرتبط با نفت و گاز (مانند خدمات طراحی، مهندسی و نظایر آن) پذیرفت و یا تعهدات پذیرفته شده را محدود به قیود مشخصی کرد زیرا توان فنی شرکت‌های خارجی - به‌ویژه پیمانکاران فراملی - نسبت به شرکت‌های داخلی در سطح بالاتری قرار دارد؛ به همین سبب رفتار غیر تبعیض‌آمیز و رعایت اصل رفتار ملی و اصل دسترسی به بازار می‌تواند به حذف رقبای ایرانی آن‌ها منجر شود. ایران می‌تواند بخش‌های مرتبط با صنعت نفت و گاز را از جدول تعهدات خود حذف کند. برای مثال می‌تواند خدمات مهندسی یا حفاری را از حوزه تعهدات خارج کند؛ در این صورت تعهدی به رعایت اصل رفتار ملی یا اصل دسترسی به بازار در آن حوزه را نخواهد داشت یا این که تعهدات مرتبط با بخش‌های مربوط به نفت و گاز را بپذیرد اما الزامات قانونی مربوط به استخدام و آموزش نیروی‌های ایرانی، الزام به مشارکت شرکت‌های ایرانی با خارجی، الزام به انتقال فناوری و الزام به راه‌اندازی بخش مشترک پژوهش و توسعه تعهدات را نپذیرد.

(۲) هرچند می‌توان از روش‌های قانونی یا قراردادی، سرمایه‌گذار خارجی را ملزم به انتقال فناوری کرد اما همواره این نکته باید در نظر گرفته شود که انتقال فناوری دو طرف دارد (صادرکننده و گیرنده فناوری) و تصمیمات یک‌طرفه کشورهای در حال توسعه بدون جلب رضایت صاحبان فناوری، کیفیت و کمیت فرایند انتقال فناوری را به شدت کاهش می‌دهد. به همین سبب در اعمال راهکارها باید منافع اقتصادی طرف مقابل در نظر گرفته شود تا از این طریق، قرارداد در نقطه تعادل منافع قرار گیرد. برای مثال، در ازای انتقال فناوری از طریق مشارکت نیروهای

داخلی در پروژه‌های بیع متقابل، می‌توان مبالغ بیش‌تری از محل درآمد پروژه برای دارندگان فناوری در نظر گرفت یا مدت بهره‌برداری سرمایه‌گذار خارجی از پروژه را افزایش داد. افزایش دوره بهره‌برداری از پروژه می‌تواند سرمایه‌گذار را به استفاده از فناوری‌ها نوین و انتقال دانش فنی به پرسنل ایرانی برای بهره‌برداری مؤثر از پروژه تشویق کند. با اعمال راه‌حل پیش‌گفته، ممکن است در کوتاه‌مدت هزینه بیش‌تری برای کسب فناوری پرداخت شود اما در بلندمدت، کسب فناوری به ارتقای دانش و توان فنی نیروهای داخلی و کاهش هزینه‌های پروژه‌های بعدی منجر می‌شود.

۳) با تقویت حمایت قانونی از مالکیت فکری، کپی‌برداری از فناوری‌های خارجی جهت بومی‌سازی یا بازتولید آن غیرممکن شده و فقط با پرداخت هزینه‌های کلان جهت دریافت مجوزهای بهره‌برداری می‌توان از فناوری استفاده کرد. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود از استثنائات وارد بر حق اختراع، نظیر استفاده‌های تحقیقاتی یا علمی و مجوزهای بهره‌برداری حداکثر بهره را برد. در شرایطی که یک فناوری برای استخراج و یا توسعه ظرفیت تولید یک میدان نفتی ضروری باشد اما دارنده آن، قیمت بالایی مطالبه کند و یا از در اختیار گذاشتن آن خودداری ورزد، می‌توان از نهاد مجوزهای اجباری بهره گرفت. قانونگذار داخلی می‌تواند شرکت فراملی را ملزم به اعطای مجوز بهره‌برداری از فناوری ثبت‌شده خود کند با لحاظ این شرط که دولت ملزم است در قبال صدور مجوز اجباری، به پرداخت مبلغی عادلانه به صاحب فناوری حکم دهد.

۴) محدود کردن حوزه حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای با رعایت مقررات تریپس^۱ باید در دستور کار سیاستگذاران قانونی قرار گیرد زیرا اولاً احتمال نقض حقوق دارندگان نرم‌افزار توسط تولیدکنندگان داخلی کاهش یافته و در نتیجه توان شرکت‌های داخلی در مشابه‌سازی از آن‌ها افزایش می‌یابد. برای مثال اگر حمایت از نرم‌افزار – به‌ویژه اختراعات نرم‌افزاری – بر ساختار نرم‌افزار تمرکز کند، می‌توان نرم‌افزاری با کارکرد مشابه اما ساختار متفاوت طراحی و تولید کرد؛ بدون آن که حقوق دارنده

۱. ماده (۱۰) موافقتنامه تریپس به لزوم حمایت از برنامه‌های رایانه‌ای اشاره کرده اما الزامات دقیقی درباره چگونگی حمایت از نرم‌افزارهای رایانه‌ای مشخص نکرده است.

نرم افزار اولیه نقض شود. اما اگر حمایت بر کارکرد نرم افزار متمرکز شود، امکان نقض حقوق نرم افزار افزایش می یابد زیرا هرچند ساختار نرم افزار متفاوت است اما کارکرد مشابه بوده و همین امر از موجبات نقض حقوق نرم افزار خواهد بود.



منابع

- ابراهیمی، نصرالله؛ درخشان، م.؛ و طالبیان مقدم، هـ (۱۳۸۷)؛ بررسی سازوکارهای انتقال و توسعه فناوری در نسل جدید قراردادهای نفتی ایران، تهران: طرح پژوهشی انجام شده در شرکت ملی نفت.
- زهدی، مسعود (۱۳۸۹)؛ الگوهای رایج سرمایه گذاری در صنعت نفت و انرژی (روش های تأمین منابع مالی پروژه های صنعتی و آموزش زبان تخصصی قراردادهای بین المللی)، تهران: مؤسسه مطالعات بین المللی انرژی.
- شیروی، عباس؛ ابراهیمی، ن. و اصغریان، م. (۱۳۸۸)؛ «اکتشاف و توسعه میادین نفتی ایران از طریق قراردادهای بیع متقابل»، مجله حقوقی بین المللی، ش. ۲۶ (۴۱)، صص ۲۴۲-۲۶۳.
- صادقی، محسن (۱۳۸۷)؛ حمایت از ابداعات دارویی و الحاق به سازمان تجارت جهانی. تهران: نشر میزان.
- Cotula, L. (2010); "How To Make Contracts for Fairer and More Sustainable Natural Resource Investment", *Investment Contracts and Sustainable Development*, London: IIED Publication.
- Council for TRIPS, "Report", WTO. February 20, 2003. <http://www.wto.org>.
- Ebrahimi, S. N. (n.d.) (2012); "Local Content Issues in Iranian Buy-Back Contracts as Experienced by Law and Practice since 1995", Retrieved January, no.6, from Menas: <http://www.menas.co.uk/library.aspx?libfolder=15594>
- Falvey, R., & Foster, N. (2006); *The Role of Intellectual Property Rights in Technology Transfer and Economic Growth: Theory and Evidence*, Vienna: UNIDO Publication.
- Haug, D. M. (1992); "The International Transfer of Technology : Lessons That East Europe Can Learn From The Failed Third World Experience", *Harvard Journal of Law & Technology*, vol. 5, pp.209-240.
- Iranpour, F., & Crumbley, L. (2006, June); "Technology Transfers in the Oil, Gas and Petrochemical Industries in Iran", *Oil, Gas & Energy Quarterly*.
- Mabadi, A. H. (2007, August 22); "Transfer of Technology in Oil and Gas Contract", Retrieved March, no. 5, from SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1745426>
- Onorato, W. T. & Park, J. J. (2001); "World Petroleum Legislation: Frameworks That Foster Oil and Gas Development", *Alberta Law Review*, vol. 39 (1).

- Scholtz, W. (2005); "The Transfer of Technology Between the North and South: Killed by the TRIPS Agreement?", *Tilburg Foreign Law Review*, pp. 208-231.
- Selivanova, Y. (2007); *The WTO and Energy: WTO Rules and Agreements of Relevance to the Energy Sector*, Geneva: International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD).
- Steger, D. (2003); "Dispute Settlement", World Trade Organization 3.13 GATS. New York and Geneva: UNCTAD Publication.
- UNCTAD. (2001); *Transfer of Technology*, Geneva: United Nation Publication.
- UNCTAD. (2001); *Host Country Operational Measures*, New York and Geneva: United Nations Publication.
- WTO (2012, November 5); *Russian Federation, Schedule of Specific Commitments*, Retrieved March 28, 2012 from WTO: <https://docsonline.wto.org/>
- WTO. (2006, March 29); *Saudi Arabia, Schedule of Specific Commitments*, Retrieved March 8, 2012, from WTO: <http://docsonline.wto.org>





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی